

## زبان معماری، رمز نمادها

گنبد طلا. این تصویر نه یک شکل و نه حتی یک نماد است؛ یک متن است. سرشار از پیامها و رمزهایی که برای عامه ایرانیان حکایتها دارد. لازم نبوده درس معماری خوانده باشی یا نشانه‌شناسی بدانی تا بتوانی این متن رمزآلود را برپا کنی. گنبد هدایت‌کننده به مکان و «جایی» مقدس است. بر بلندای مرکزی‌ترین اندام معماری قرار می‌گیرد تا هویت، سر، مرکز و قلب مجموعه را به همگان نشان دهد. مرکز ثقل معنایی مجموعه، ممکن است در وسط جغرافیای آن نباشد، اما گنبد دلالت بر آن دارد که این «جا» قلب است.

پس از آن مناره‌ها به کار می‌آیند تا خبر از رخدادی در مکان بدهند. در «اینجا» خبری هست. دو مناره از دوردست‌ها فریاد می‌آورند که آن «جا»، اینجاست و رهگذران را به آن راهنمایی می‌کنند.

رنگ طلا خبر از امر قدسی می‌دهد. هر آنچه که طلایی است، نشانی از شرافت و قداست دارد.

قرارگیری این سه عنصر در کنار صندوق نذورات و خیرات از سنتی در فرهنگ اسلامی ایران حکایت می‌کند که در

دوره‌هایی از تاریخ، منشأ ایجاد زیرساخت‌های بزرگ اقتصادی و مجموعه‌های علمی و اقتصادی بوده است.

اگر امروز جمع‌آوری صدقات خرد برای دفع بلاهای شخصی به کار می‌آید، زمانی از برجسته‌ترین شیوه‌های مالکیت غیر خصوصی و متکی بر منافع عام و اجتماعی بوده است.

وقف و نذر، انواعی از مالکیت و مشارکت اجتماعی را تعریف می‌کنند که جایگاه امروزشان تناسبی با فلسفه و ظرفیت‌های نهفته در آنها ندارد، این متن‌ها اگر در دنیای نخبگان امروز مغفول افتاده، آنقدر ناشناخته مانده‌اند که متن پیچیده آنها را نمی‌توان با تفسیر این صندوق مزین شده به گنبدهای آلومینیومی آنودایز شده، فهم کرد. اما می‌توان گفت که فرهنگ عامه، اگر چه سنت وقف نذر را در شأن گذشته آنها نمی‌شناسد، اما از جایگاه و مرتبه آن، چنان با خبر است که با این نمادسازی عامیانه، همچنان از حقیقتی بزرگ خبر می‌دهد؛ بی‌آنکه بتواند شناختی جزئی و تفصیلی از آن به دست دهد. این جلوه از منظر ایرانی از بقایای سنتی عمیق در عرصه زندگی اجتماعی-اقتصادی گذشته ایران خبر می‌دهد که با کمک نمادهایی از معماری و هنر سرزمینی آنها روایت شده است.

سردبیر

سید امیر منصوری  
amansoor@ut.ac.ir